

واژه نامه انگلیسی فارسی

Lusterless paint	پوش رنگ بی جلا	Tie-layer	پیوند لایه
پوش رنگی که پرتوهای نور را چنان جذب می کند که هیچ نوع برقی بر سطح کار مشاهده نمی شود.		در محصولات چند لایه، لایه ای از یک ماده عموماً گرمانرم که دو لایه را به هم پیوند می دهد.	
Pigment chip	تراشه رنگدانه ای	Electrochromism	الکترو رنگی
	پراکنه غلیظی از رنگدانه در بسپار، به شکل تراشه.	قابلیت ماده به لحاظ تغییر رنگ در حضور بارهای الکتریکی و بازگشت به رنگ اولیه در نبود بارها.	
Dye, dye stuff	رزانه	Nonstaining antioxidant	پاد اکسنده غیر لکه زا
ماده رنگ بخشی که در محیط خود قابلیت حل شدن یا پراکنش دارد و از طریق واکنش های شیمیایی یا جذب یا پراکنش به ماده دیگر افزوده می شود.		پاد اکسنده که بسپار یا ماده مجاور بسپار را که از آن محافظت می کند، چه در ابتدا چه پس از تخریب، رنگی نمی کند.	
Water stain	رنگانه آب پایه	Powder coatings, powder coating material, coating powders	پودر پوشانش
	رنگانه حاصل از حل شدن رزانه در آب	نوعی ماده پوششی صد در صد جامد که به صورت پودر خشک به کار می رود و پس از پخت در دمای بالا ذوب می شود و فیلم پیوسته ای را تشکیل می دهد.	
Undercoat	زیر پوشه	Drying	خشکانش
۱- پوشه ای که بین سطح آسترخورده و لایه نهایی قرار دارد ۲- هر نوع آستری (Primer) که دارای رنگ است.		فرآیند تغییر دادن ماده پوششی از حالت مایع به جامد با تبخیر حلال ها یا ایجاد واکنش های فیزیکی _ شیمیایی یا هر دو	
Mistcoat	سایه پوشه	Nondrying coating	پوشش خشک ناشونده
لایه پوششی بسیار نازک.		پوششی که در دوره زمانی مشخصی خشک نمی شود.	
Enamel	لعاب	Spirit soluble resin	رزین الکلی
روپوشه ای با سطح صاف و براق یا نیمه براق.		رزین محلول در الکل و نامحلول در آب	
Glass flakes, flak galss	پرک شیشه ای	flat enamel	لعاب مات
نوعی پرکننده تقویتی که با دَمش شیشه مذاب نوع ای (E) و تبدیل آن به لوله های (tubes) نازک یا حباب های شیشه ای و سپس خرد کردن لوله ها به تکه های کوچک تولید می شود.		پوششی حاوی رنگدانه با براقی کم که ترازشوندگی سطح آن مانند لعاب براق است.	
Top coat	روپوشه	Intermediate coat	میان پوشه
پوشه نهایی در سامانه پوششی.		فیلم یا پوشه ای که در سامانه پوششی میان دو پوشه قرار گیرد.	
Flat lacquer	لاک مات	Bronzing	مفرغ نمایی
لاکی که پس از خشک شدن ظاهری ساب خورده پیدا می کند.		تغییر رنگ سطح تا حدی که ظاهری مفرغی بیابد (برنز نمایی)	
Dry through time	زمان خشکی عمقی	Lacquer	لاک
زمان لازم برای خشک شدن پوشش چنان که اثر ناشی از فشار زیاد انگشت شست و چرخاندن نود درجه آن، هیچ تغییری شکلی در پوشش مشاهده نشود.		ماده پوششی شفاف و بی رنگ و گاه رنگی که بر اثر تبخیر حلال و / یا واکنش شیمیایی خشک می شود.	

واژه نامه انگلیسی فارسی

Coater

پوشانه

وسیله‌ای برای زدن ماده پوششی

Oil paint

پوش رنگ روغن پایه

ماده‌ای پوششی که روغن خشک‌شونده یا ورنی روغنی یا رزین اصلاح شده با روغن، جزء تشکیل دهنده فیلم آن است.

Photocurable coating

پوشش نورپز

مخلوط قابل بسپارشی که به صورت فیلمی نازک روی زیرآیند (substrate) به کار می‌رود و در معرض نور پرتوئی به سرعت به بسپار تبدیل می‌شود.

Water stain

رنگانه آب پایه

رنگانه حاصل از حل شدن رزانه در آب

powdered plastic

پلاستیک پودری

رزین یا پلاستیکی به صورت پودر بسیار ریز که در پوشانش بستر سیال (fluidized-bed coating) و قالب گیری چرخشی و دیگر روش‌های تفجوشی به کار می‌رود.

Gloss

براق

ویژگی سطحی که میزان براقیت آن در زاویه ۶۰ درجه در گستره ۷۰ تا ۸۵ قرار دارد.

Scuffing

پوست زنی

سایش بسیار ملایم سطح پوشش خشک به کمک کاغذ سنباده نرم، پیش از به کاربردن لایه بعدی